

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۷۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

اعلامیه

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

مردم آذربایجان ۵- مین سال قیام خرداد ماه ۱۳۸۵ گرامی می دارند. این قیام جزئی از سلسله قیام هائی است که سال های متمادی علیه تبعیض قومی، تحقیر و پایمال کردن حقوق ملی صورت گرفته است.

مردم آذربایجان همیشه در صف اول مبارزه برای دمکراسی در ایران قرار گرفته است و در این مبارزه به پیروزی های دست یافته اند. خرداد ۱۳۸۵ مردم آذربایجان علیه تحقیر و توهین رسانه های رسمی قیام کردند. جوانان پر شور آذربایجان در تمام شهرها به خیابانها آمدند. خواسته های ملی خود از جمله مجازات روزنامه های تحقیر کننده را خواستار شدند. قرن ۲۱ قرن بیداری ملت های ستم دیده است. ملت های مظلوم در سراسر جهان (در روسیه، در چین و در خاورمیانه) از پشتیبانی افکار عامه جهان بر خور دارند. قیام خرداد ۱۳۸۵ دنبال سلسله قیام های ملی است که از آذر ماه ۱۳۲۴ شروع شده، و مراحل متعددی را طی نموده است. مردم آذربایجان نه تنها در راه دست یابی به حقوق ملی خود مبارزه می کند. بلکه علیه «بی توجهی» مرکز نسبت به رشد اقتصادی و فرهنگ آذربایجان نیز مبارزه می کنند. آذربایجانی مصرأ می خواهد به زبان مادری خود تحصیل کند. فرهنگ ملی خود را رشد دهد. تبعیضات ملی از میان بر داشته شود. این خواسته های قانونی با مقاومت حاکمان روبرو می شود. چنان که در خرداد ماه ۵ سال پیش روبرو شد. میان تظاهر کنندگان و مأموران حکومت بر خورد خونین رخ داد. تعداد دستگیر شدگان به صدها نفر رسید. شکنجه گاه های رژیم پر از تظاهر کنندگان شد. تعداد زیادی از این دستگیر شدگان هنوز هم در زندانهای مخوف زیر شکنجه بسر می برند. اما حکومت با سرکوب بی رحمانه ی مبارزان ملی نتوانسته صدای مردم آذربایجان را در گلو خفه کند. زیرا نه تنها جوانان مبارز، بلکه بازاریان، دانشجویان و اقشار دیگر تا دست یابی به خواسته های ملی دست از مبارزه نخواهند کشید.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

در این شماره

۱ آموزش و.ا. لنین در مورد ساختار ص ۴

۲ در آذربایجان چه می گذرد؟ ص ۷

۳ نظری بر بحران طبیعت در جهان و ص ۱۰

۴ شعرلر عارف صفا ص ۱۱

۵ شعرلر محسون خوشگنابی ص ۱۲

جنگ قدرت یا آغاز پایان؟

پرونده ی تخلفات ریاست جمهوری در دست بررسی است. این اظهارات محسنی اژه ای سخنگوی قوه قضائیه و دادستان کل رژیم، امکان ماندگاری دولت احمدی نژاد را در هاله ای از ابهام فرو برده است. پیش از این طی روزهای گذشته تقریباً همه ی نهادها و ارگانهای باصلاح مسئول بررسی خلاف کاری و قانون شکنی در جمهوری اسلامی، نارضایتی خود را نسبت به عملکرد حقوقی- سیاسی و اقتصادی دولت اعلام کرده اند. بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، دیوان عدالت اداری و دیگر مراکز مربوطه، هر کدام جنبه هایی از هرج و مرج و خود سری حاکم بر قوه مجریه و فساد و سوء استفاده ی دست اندرکاران آنها افشاء کرده، صلاحیت آنان را به صورتی هماهنگ زیر علامت سؤال برده اند.

مراکز تبلیغی و فرهنگی رژیم نیز سخت در تکاپو بوده اند. اصول گرایان اعم از سنتی و نیمه سنتی، روحانیون با نفوذ وابسته به بیت رهبری، ائمه جمعه، مداحان اهل بیت و رسانه های جمعی وابسته هر کدام به تربیت اجرای نقش از قتنه ای حکایت می کنند که کیان ولایت فقیه را نشانه رفته است.

ادامه در ص ۲

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

جنگ قدرت یا آغاز پایان؟

دارودسته از ساختار سیاسی بیشتر بر مبنای مواضع فکری جدید آنان «اساسمند» می شود.

در جمهوری اسلامی از آغاز، منافع گروه بندی های مختلف اجتماعی سیاسی بشکل علائق و بیش های مذهبی بیان شده اند و به عبارت دیگر در جریان تملک اندیشه ای و بیان تئوریک روندهای اجتماعی - اقتصادی، مقولات، احکام و احتجاجات مذهبی نقش زیادی داشته است. قرائت های مختلف از اسلام همچون اسلام انقلابی، اسلام آمریکایی، اسلام فقهی، اسلام ایرانی، اسلام رحمانی و نواندیشانه در همین رابطه اند. بهمین خاطر در موارد بسیاری سرشت اجتماعی بگو مگوهای دینی و فقهی از نظر دور مانده است. منازعات امروزین در سرای قدرت جمهوری اسلامی از این جهت نمونه وار است. آنچه در حال حاضر بعنوان اندیشه های باطل و ضد دین در معرض حمله های لفظی، فقهی و سیاسی طرفداران ولایت مطلقه قرار گرفته است، در واقع نتیجه روندی است که با قدرت گیری و بالا آمدن بورژوازی تجاری و دلال در دهه اول انقلاب با کمک میراث داران فدائیان اسلام - کاشانی، بقایای حزب زحمتکشان مظهر بقایی و آیت، استادان پیش آقایان ثمره هاشمی و احمدی نژاد، انجمن حجتیه و دیگر سیاست سازان نهنان پیشه، نطفه بست و با ولایت مطلقه خامنه ای، تغییر قانون اساسی و حذف نیروهای منسوب به انقلاب از حاکمیت، اعلام موجودیت کرد. اقتدار گرایی، حاکمیت متمرکز و مستبد، انحلال روحانیت بعنوان یک نهاد مستقل و تبدیل آنها به کار گزاران حقوق بگیر بارگاه ولی فقیه، بی اعتنایی و نقض قانون اعم از قانون اساسی و قوانین مصوب نمایندگان مجلس، دشمنی و سرکوب هر نوع آزادی، حذف عملی جمهوریت نظام و ساختار شکنی بسود راست ترین نیروهای اجتماعی که طرفین درگیر جنگ قدرت برای تحقق تمام و کمال منافع آنها دورخیز بر داشته اند بسیار پیش از این از همان زمانی که عبای ولایت برشانه های خامنه ای انداخته شد مشروعیت یافته است. روی کار آوردن احمدی نژاد بدست همین معارضان امروزیش آنها با چراغ خاموش به رعد و برق در آسمان بدون ابری می مانست. تاجایی که حتی سپاهیان همچون علی لاریجانی، باقر قالیباف و محسن رضایی را متحیر و آزرده کرد. دست های پنهان تاج بخش، احمدی نژاد را مناسب ترین شخص برای اجرای اندیشه ها و نقشه هایی تشخیص داده بودند که امروز انحرافی و بر اندازه اش می خوانند.

می گویند که احمدی نژاد در انتظار ظهور صغیر امام زمان است و خود را رئیس جمهوری ولی عصر می داند. در نتیجه نیازی به پاسخ گویی در برابر رهبر و رعایت احکام حکومتی ایشان نمی بیند. گویا همه اقدامات او از جمله بر کناری مصلحی، ادغام وزارتخانه ها، بر کناری سه وزیر، سرپرستی وزارت نفت و بسیاری کارهای دیگر همگی، مؤید به تائید امام زمان است. و به این ترتیب بحث ولایت فقیه، نقش فقها و بطور کلی روحانیت در مسائل اجتماعی که بنابر روایتی از شیخ صدوق، سابقه ای هزارساله دارد، برایش بلا موضوع شده است. مصباح یزدی معلم و مدافع پیشین رئیس جمهوری در همین ارتباط از امکان ظهور محمد علی باب تازه خبر داده است.

خلاصه دعوا و جنجال چنان بالا گرفته که حتی پای اجنه و شیاطین و مرتاضان هندی هم به میان کشیده شده است. هم چنین تنی چند جن گیر و رمال هم دستگیر شده اند. سران مافیای نظامی - امنیتی نیز بیکار ننشسته اند. آنان ضمن اعلام بیعت مجدد با رهبر به توجیه سپاهیان و بسیجیان مبنی بر ضرورت ولایت پذیری پرداخته، با تجدید آرایش درونی، خود را برای درگیریهای احتمالی آماده کرده اند. دست اندرکاران امنیتی نیز هم زمان در جستجوی سرخ ها و چگونگی ارتباط جریان منحرف با مراکز جاسوسی و یافتن مکانیسم های دخالت خارجی در امور داخلی هستند. در این هنگامه حرف و حدیث هایی از این دست بسیار گفته اند اما برای پوشاندن حقیقت ماجرا .

حسن عباسی استراتژیستین رژیم و عضو قرارگاه تازه تأسیس عمار گفته است که باند احمدی نژاد - مشایی قصد دارند که برای حفظ قدرت در دستان گروه خود طرح پوتین - مدودف (رهبران روسیه) را به اجرا در آورند. و گویا کشمکش های کنونی ناشی از زیاده خواهی رئیس جمهوری است. گیریم که چنین باشد! چه اشکالی دارد؟ مگر منحرفان امروزی تا همین چندی پیش نظر کرده ی امام زمان نبودند. مگر این دولت به جز اجرای منویات ولی فقیه در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کار دیگری کرده است؟ خود رهبر هم که رسماً از تریبون نماز جمعه اعلام کرد که دیدگاههای احمدی نژاد به نظرات ایشان نزدیکتر است تا مواضع یار قدیمی اش رفسنجانی. حتی مشورت هایی برای وحدت اصول گرایان در انتخابات آتی با رئیس جمهوری صورت گرفت. پس چه شد که ناگهان ورق بر گشت. آقای عباسی توضیح نمی دهد که چرا این بار احمدی نژاد حق انجام کاری که شیوه رایج انتخابات گذشته بوده را ندارد.

در هیاهوی جاری از جمله دیگر موضوع هایی که خیلی روی آن تکیه می شود. اندیشه های انحرافی گروه احمدی نژاد - مشایی است. حتی ضرورت حذف این

ریاست جمهوری اش را به پایان ببرد به شرطی که امکان دخالت وی و منصوبین اش در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری از آنان سلب شود. از طرفی دیگر پیش بینی می شود که رئیس جمهوری بمنظور تحمیل هزینه ی اجتماعی بیشتر بر رقیبانش مقاومت کند و حتی ممکن است طرفدارانش به خیابان بیایند. از اظهارات فرماندهان سپاه و بسیج چنین بر می آید که آنان نیز این احتمال را جدی گرفته اند. بهر صورت جبهه اصول گرایان ولایت فقیهی به هیچ طریقی گفتمان جدید را بر نمی تابد و تصمیم دارد بهر شکلی که شده حاملان اندیشه های انحرافی را از سر راه بر دارد. درست است که در این جنگ قدرت بسیاری از اصول گرایان به دوران بعد از خامنه ای فکر می کنند اما مسئله ای که همچنان پاسخی و راه حلی برایش پیشنهاد نمی شود مشکلاتی است که هم اکنون بقدر غیر قابل تحمل سرپای جامعه را فرا گرفته است. روابط میان حاکمیت و مردم بطور باز گشت ناپذیری آسیب پذیر و شکننده شده است. امری که احمدی نژاد و یارانش چنین می نمایانند که در تشخیص آن بصیرت بیشتری از بیت رهبری داشته اند. و برای حفظ منافع طبقات و نیروهای اجتماعی پشتیبان خود تغییر گفتمان مسلط شریعت مدار را مصلحت دیده اند. و اتفاقاً بنابر همین ملاحظات است که زدن رئیس جمهوری برای حاکمیت بسیار پر هزینه شده است و شاید بهمین خاطر است که بر سر چگونگی بر خورد با آن هنوز اجماع کلی حاصل نشده است. اما مستقل از نیت طرفین این دعوا، موقعیت بیش آمده آستن نتایج عینی دور بردی است که لحاظ کردن آن در مبارزه ی عملی برای دمکراسی، قانون گرایی و عدالت جویی، اهمیت مهمی دارد. مشروط بر اینکه از سیاست ورزی بدون محتوای اجتماعی پرهیز شود. دشمنی رهبر و بیت محترمشان با هر گونه آزادی و قانون به خاطر نا آگاهی و یا سوء تفاهم آنان نسبت به نیت خیر جنبش مردمی و اپوزیسیون نیست. بلکه آنان نمی توانند طور دیگری از غارت و فساد و رانت خواری دفاع کنند. اینکه این چنین به صراحت، آنهم در درون سرای قدرت ولایت مدار، ادامه ی ولایت مطلقه به پرسش گرفته می شود بطور عینی گامی است در جهت عرفی تر شدن فضای سیاسی جامعه. اما این حقیقت باعث نمی شود که ماهیت اقتدارگرا و فاشیست گونه ای که خود را در پس مغازه های ملت گرایانه، اسلام ایرانی و نیابت خاص امام زمان پنهان کرده است، نبینیم.

بهر حال چه ریاست جمهوری به تسخیر اجنه در آمده باشد، چه او را گمراه کرده باشند و چه در ارزیابی قدرت واقعی اش دچار توهم شده باشد، یک چیز قطعی است، او و یارانش از کنترل خارج شده اند. اما حتی این واقعیت نیز چرایی گستردگی دامنه حمله به جریان احمدی نژاد - مشایی و شتاب بیت رهبری را برای هم آوردن سروته آن توضیح نمی دهد. درست تر آن است که پاسخ را در جایی بیرون از اندرونی قدرت جستجو کنیم. به نظر می رسد ژرفا و حدت بحران همه جانبه ی رژیم، پایداری جنبش مردم و تعمیق آن و نیز اوضاع بین المللی و منطقه ای، علل اساسی آشفتگی و در هم ریخته گی حاکمیت جمهوری اسلامی باشد.

اصرار و جدال احمدی نژاد برای بدست گرفتن کنترل منابع پولی و ارزی و امکان خرج بی حساب و کتاب آن، تبلیغ اسلام ایرانی و کانالیزه کردن آن علیه اسلام فقهاتی و شریعت مدار، تلاش برای تسلط بر نهادهای امنیتی و سیاست خارجی و در نتیجه پراکندن توهم پولی برای جلب تمایل لایه های محروم، ایجاد توهم فرهنگی بمنظور یافتن جای پای در میان اقشار متوسط و خلاصه القاء توهم نظامی و امنیتی جهت جلب رضایت معارضان خارجی به مذاکره با تیم او و در یک کلام ایجاد گفتمانی بدیل در برابر رهبر، همه و همه ناشی از شرایطی است که در آن رویدادها و روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همگی حاکی از احتمال انفجارهای قریب الوقوع اجتماعی است. و استمرار مبارزه مردم کشورهای منطقه علیه فقر و استبداد و قطعی شدن تغییر ساختارهای موجود در آن کشورها بعلاوه تحریمهای اقتصادی بین المللی میدان مانور حاکمیت را بیش از پیش محدود کرده است. این وضعیت در عین حال ممکن است اوضاع و احوالی را موجب شود که اقتدار گرایی از نوع احمدی نژادی، بتواند موازنه ی قدرت را به زیان ولایت فقیه و ملازمان معمم، مکلا و نظامی اش برهم بزند. و این همان موضوعی است که خشم ولایتیان را علیه دست پرورده ی ناخلف خود بر انگیزخته است. حساسیت مسئله بقدری است که برخی از زعمای قوم حتی نمی

خواهند منتظر نتایج انتخابات مجلس بمانند بویژه که اصول گرایان سنتی و مؤتلفه ای های بازاری که زمانی با صعود روز افزون احمدی نژاد و در جریان بذل و بخشش سرمایه های کشور میان نظامیان تازه به دوران رسیده، سرشان بدون کلاه مانده بود، آتش بیار معرکه شده اند. انتخاب مهدوی کنی به ریاست مجلس خبرگان و اظهارات بی سابقه ی اخیر وی در مورد جایگاه خدای گونه ی ولایت فقیه و نقش حراستی مجلس خبرگان و بازگشت مجدد محمدرضا با هنر به نایب اولی مجلس حاکی از ترمیم موقعیت آنان نزد خامنه ای است. هرچند فشار بر رهبر برای حل قطعی و فوری فتنه ی جدید بسیار زیاد است. اما مدلهای دیگر حل مسئله هنوز منتفی نیست. گفته می شود شخص خامنه ای بیشتر مایل است که احمدی نژاد دوره

آموزش و ۱. لنین در مورد ساختار حزب و دوران معاص (۲)

نویسنده: اوسین رومان

بر گردان: رح.بازیار

را از حاکمیت به زیر آورد و جامعه کمونیستی را سازمان دهد.

از دیدگاه ما، در برخورد به مفهوم اتوریته، خودکامگی، دیکتاتوری، باید دو عامل را در نظر گرفت: اقتصادی و طبقاتی - سیاسی.

- عامل اقتصادی و ویژگی مشخصه تفکر تمامی مارکسیست های واقعی - تحلیل ماتریالیستی هرگونه پدیده سیاسی است. اگر ما ماتریالیستی تحلیل کنیم، آنوقت بسیار سریع به این نتیجه می رسیم که مناسبات سیاسی، از جمله مناسبات درون حزبی، همچون بخشی از اجزاء آن، عبارت است از روبنا بر زیر بنای اقتصادی جامعه. معنای این چیست؟ این فقط می تواند به این معنا باشد، که برای درک چنین پدیده هایی همچون دیکتاتوری، اتوریترایسم و ... باید به شرایط مادی و ضرورت مادی پدیده ها توجه کرد. نتیجتاً، به هنگام صحبت در مورد اداره دولت، حزب، و هر سازمانی که مدعی رهبری جامعه است، باید ساختار تشکیلات اقتصادی آن را مطالعه کرد. و برای این باید فوراً به خود تولید نظر انداخت. چارچوب مقاله حاضر امکان تشریح کامل این مهم را به ما نمی دهد، در نتیجه خود را به چند کلمه ای از لنین در این مورد محدود می کنیم. چنانکه روشن است تولید معاصر تمام و کمال در صنایع بزرگ تجلی می یابد. بدون این سخن در مورد هرگونه ترقی و پیشرفت حرفی بی معناست. لنین با درک کامل این مطلب، در اثر «وظایف اساسی دولت شوراهای» تأیید کرد، که «هرگونه صنعت بزرگ ماشینی - یعنی همانا شالوده و بنیان مادی و تولیدی سوسیالیسم - احتیاج به ارده بدون قید و شرط آهنین دارد، که کار مشترک صدها، هزارها و صدها هزار انسان را هدایت می کند. این ضرورت هم از لحاظ تکنیکی، هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ تاریخی کاملاً واضح است و تمام کسانی که در مورد سوسیالیسم اندیشیده اند، همیشه این را قبول داشته اند. اما چگونه می توان این وحدت اراده آهنین را تأمین کرد؟ - تابع کردن اراده هزار نفر به اراده یک نفر». (و.ا.لنن. آثار منتخب روسی، جلد 4 ص 258). در ادامه می گوید: «این اطاعت می تواند در صورت آگاهی واقعی و انضباط پذیری شرکت کنندگان کار جمعی، بیشتر رهبری هماهنگ یک رهبر ارکستر را تجلی نماید. اما در صورت فقدان انضبات و آگاهی ایده آل می تواند شکل خشن دیکتاتوری منشی را بخود گیرد. اما بهر حال اطاعت بی قید و شرط از اراده واحد برای موفقیت پروژه های کاری، که به شیوه صنعت بزرگ ماشینی سازمان یافته است، ضرورت مسلم دارد». (همانجا). ف. انگلس در اثر

6- سانترالیسم دمکراتیک. این اصل یکی از پرنسیپهای کلیدی و بنیادی در سازمان پرولتری است. در این اصل، تلفیق مابین دمکراسی و مرکزیت بخوبی بر قرار گردیده، که امکان ایجاد مرکزیت آوانگارد سازمان پرولتری، که توان سرنگونی سرمایه داری را دارد، فراهم می سازد. اصل سانترالیسم دمکراتیک در اساسنامه بسیاری از احزاب و جنبشهای کمونیستی معاصر انعکاس یافته است. سانترالیسم دمکراتیک یعنی:

- تمامی ارگانهای حزبی از پایین به بالا انتخابی هستند؛

- تعویض و پاسخگویی رهبری در مقابل سازمان و ارگانهای بالاتر؛

- دیسپلین واحد و شدید برای همه و تابعیت اقلیت از اکثریت؛

- لازم الاجرا بودن تصمیمات ارگانهای بالا برای ارگانهای پایینتر؛

- کار جمعی در تمامی ارگانهای رهبری درتلفیق با مسئولیت فردی هر عضو حزب در اجرای وظایف اساسنامه ای؛

- نظر اقلیت فقط در صورتی در اسناد حزبی قید می گردد، که اقلیت خواهان آن باشد و حد معینی رای نمایندگان کنگره یا کنفرانس را داشته باشد؛ بدین ترتیب، روشن است که سانترالیسم دمکراتیک نه تنها دمکراتیسم، بلکه شدیدترین سانترالیسم که سازمان را برای هدف واحد متحد می سازد، در نظر دارد.

7- در باره خودکامگی، دیکتاتوری و دیگر لحظات «غیر دمکراتیک». در ارتباط با این می خواستیم چند کلمه ای در موردچنین مقولات «غیر دمکراتیک» همچون خود کامگی و دیکتاتوری گفته باشیم. بسیاری اوقات در تاریخ میهن ما، هم در گذشته و هم اکنون، گرایشاتی بسوی کاربرد انتزاعی (مجرد) از مفهوم دمکراتیسم، اتوریترایسم، سانترالیسم و ... وجود داشته و دارد. در این موارد هیچگاه جوانب طبقاتی و همچنین وضعیت مشخص تاریخی در نظر گرفته نمی شود. از جمله برای همه روشن است، که نیکیتا خروشچف در گزارش معروف خود «در مورد کیش شخصیت» با وضوح اسنالین را به «عدول از پرنسیپهای لنینی رهبری حزب»، «کیش شخصیت»، «غصب حاکمیت» و ... متهم کرده است.

صحنه مشابه این را می توان امروز نیز مشاهده کرد، زمانیکه برخی رفقا ماهیت سانترالیسم دمکراتیک را فراموش می کنند و تحت لوای دمکراتیسم در جهت تخریب سانترالیسم گام بر می دارند. این رفقا درک نمی کنند، که فقط سازمان متمرکز می تواند طبقات بورژوازی

اداره سیاسی در عدم تناسب با رشد صنعتی اجرا می گردد - چون در جهت منافع اقلیت است و باعث تشدید تضاد کار و سرمایه می گردد. اما تناسب دیکتاتورمنشی سیاسی در سوسیالیسم با دیکتاتورمنشی اقتصادی در صنایع، تجلی تناسب مناسبات تولیدی با رشد نیروهای مولده است و در تحلیل نهایی تناسب روبنای سیاسی با زیر بنای اقتصادی جامعه است. تکرار می کنیم، دیکتاتور منشی سیاسی دولت شوراها در جهت منافع اکثریت اعمال می شود و به زدودن تضاد کار و سرمایه کمک می کند و در هماهنگی زیر بنای اقتصادی با رو بنای سیاسی اجرا می گردد. گذشته از این، باید یک لحظه سیاسی دیگر در رابطه با اجتناب ناپذیری دیکتاتورمنشی حاکمیت نوین را درک کرد. این لحظه در این رابطه است، که هر حاکمیتی، اولاً - حاکمیت طبقه مشخصی است و به لحاظ ماهیت خود دیکتاتوری است؛ دوماً - هرگونه حاکمیت نوین در مراحل اولیه رشد خود، باید حد نهایی قاطعیت و سختگیری نسبت به تمامی افشار مردم اعمال کند و با قاطعیت از منافع طبقه خود حمایت کند. و اگر لازم باشد، نه فقط طبقات مخالف و دشمن، بلکه حتی عناصر نا آگاه و مرتجع طبقه خود را سرکوب کند. در این رابطه ف. انگلس در اثر «درباره اتوریت» می گوید: «انقلاب بدون شک، مستبدترین چیزی هست که می تواند وجود داشته باشد. انقلاب عملی است که بخشی از جمعیت اراده خود را بر بخش دیگر جمعیت بوسیله اسلحه، گلوله و سر نیزه تحمیل می کند، یعنی ابزاری فوق العاده مستبدانه و دیکتاتورانه، و اگر حزب پیروزمند نمی خواهد نتایج و ثمره تلاشهای خود را از دست دهد، باید حاکمیت خود را به وسیله همان هراسی، که اسلحه آنها مرتجعین را متقاعد می سازد، حفظ کند». امروزه، زمانی که بسیاری کوته نظرانه به دنبال تحلیلات واهی در مورد دمکراسی افتاده اند و فکر می کنند که چنین چیزی همچون «دولت دمکراتیک خلقی» ممکن است، این سخنان انگلس بسیار مهم است. تکرار می کنیم، که باید بخاطر داشت و این واقعیت را به همه زحمتکشان تلقین کرد، که دولت و تمامی سیستم سیاسی ابزار طبقه حاکم است و در خدمت اوست. و در نتیجه، اگر امروز این ابزار به بورژوازی خدمت می کند، آنوقت فردا، زمانیکه حاکمیت آنها شکست و سیستم نوین سیاسی - دیکتاتوری پرولتاریا - جای آن را گرفت، باید درک کرد که این سیستم نوین همان دیکتاتوری خواهد بود، اما این بار نه از طرف بورژوازی، بلکه از طرف پرولتاریا. و این چنین است سیمای روشن دیکتاتوری طبقاتی دولت نوین طبقه کارگر حاکم نقش کلیدی ثوری. یکپارچگی پیشتاز طبقه کارگر بدون وحدت ایئولوژیک نمی تواند وجود داشته باشد، و ایئولوژی نمی تواند در رده اصول دینی قرار گیرد. وجه ممیزه اساسی کمونیستها از دیگر طرفداران عدالت

خود» در مورد اتوریت» چنین فکر مشابهی را بیان می کند: «آرزوی از بین رفتن اتوریت در صنایع بزرگ به معنای آرزوی از

بین رفتن خود صنایع است - نابودی ماشین بخار ریسندگی برای بازگشت به ابزار دستی ریسندگی است». (ف. انگلس «در مورد اتوریت»).

با استناد به این نتیجه گیری های دور اندیشانه می توان به این حکم بعدی رسید: سازمان معاصر صنایع سنگین، اقتصاد، تمامی صنایع زیر بنایی بر مبنای تابعیت و شیوه استبدادی اداری شکل گرفته است. و این شیوه در عرصه زیر بنایی نمی تواند تأثیر خود را بر سیستم اداری در عرصه های رو بنایی بر جای نگذارد. و دقیقاً به همین سبب، ما هر چه بیشتر و بیشتر می توانیم شاهد این باشیم، که در کشورهای بزرگ، تکامل طبیعی دمکراسی بورژوازی، به سوی استبداد فاشیستی گرایش می یابد.

- عامل طبقاتی - طبیعی است که یاد آوری احکام ذکر شده بالا ابداً بدین معنا نیست، که کمونیست ها طرفدار هر نوع دیکتاتوری و هر نوع دولت نیرومند هستند. چنانکه قبلاً اشاره کردیم، دولت، سازمان طبقه از لحاظ اقتصادی مسلط است. در نتیجه در شرایط سرمایه داری، ما در استبدادی بودن دولت دینفع نیستیم. همه چیز در سوسیالیسم تغییر خواهد کرد، قبل از هر چیز ویژگی دیکتاتوری. لنین نوشت: «هیچگونه تضاد اصولی ما بین دمکراتیسم شوروی (سوسیالیستی) و اعمال حاکمیت دیکتاتور منشانه افرادی، مطلقاً وجد ندارد. تفاوت دیکتاتوری پرولتاریا با بورژوازی در این است، که اولی ضربات خود را علیه اقلیت استثمارگر به نفع اکثریت استثمار شونده متوجه می سازد. و بعد در این است، که اولی را - حتی بوسیله افراد جداگانه - نه فقط توده های زحمتکشان و استثمار شوندگان، بلکه همچنین سازمان هایی عملی می سازد که ساختار آن به شکلی است که همانا چنین توده هایی را بیدار کنند و برای خلاقیت تاریخی بر انگیزند». (و.ا.لنین. مجموعه آثار روسی، جلد 4 ص 258).

چنانکه ما می بینیم، با تغییر ماهیت طبقاتی دولت، ماهیت دیکتاتوری نیز تغییر می کند. از تحمیل کردن اراده اقلیت بر اکثریت، به سرکوب اقلیت بوسیله اکثریت تبدیل می شود.

دقیقاً به همین دلیل در عرصه های دیسپلین درون حزبی در تمامی مراحل رشد جنبش انقلابی و در عرصه های اداره دولتی در مرحله سوسیالیسم، متد های اداره دیکتاتورمنشانه ضروری و سودمند است. چون که در ماهیت امر ضامن پیروزی و حفظ دمکراسی پرولتری است. در مورد سوسیالیسم باید گفت که دیکتاتور منشی در اداره سیاسی که در جهت منافع زحمتکشان است، با دیکتاتورمنشی در اداره صنایع در تناسب با یکدیگر تطبیق می گردد. اما در سرمایه داری دیکتاتورمنشی

اینست که فقط کمونیستها می توانند راه دستیابی واقعی به این عدالت را توضیح دهند. چونکه خود عدالت علمی است. فقط کمونیستها می توانند برنامه جامعه آینده را، نه بر اساس تصورات واهی و آرزوها، بلکه بر اساس مطالعه و بررسی قانونمندیهای رشد جامعه کنونی ارائه دهند. به همین دلیل و.ا.لنین نوشت: «نقش مبارز پیشتاز را فقط حزبی می تواند اجرا کند، که مسلح به تئوری پیشرو است». (مجموعه آثار روسی جلد 6 ص 25). علایم اساس ایدئولوژی مارکسیستی را می توان اینچنین نام برد: حزبیت؛ علمی بودن؛ ساختار منطقی؛ بیان روشن و یژگیهای طبقاتی؛ یکپارچگی؛ بر خورد مشخص - تاریخ به بررسی حوادث جاری.

همانا درک علمی پرولتاریا از منافع خود و چگونگی اجرای آن، از لحاظ ایدئولوژیک اورا شکست نا پذیر می سازد. چونکه آینده متعلق به ایده علمی و درک ضرورت باز سازی کمونیستی جامعه است، نه متعلق به ایمان، همچون ایمان به خدا. و همانا همین تئوری مارکسیستی - لنینیستی در رشد خلاقانه آن می تواند به پرولتاریا چنین جهان بینی و درک علمی را ارائه دهد.

9- در مورد لحظه کنونی. در حال حاضر، مبارزه با انحرافات که تحت لوای دمکراتیسم، اپورتونیسیم چپ را در عرصه مسائل تشکیلاتی پیش می برد، بسیار مبرم است. این انحراف اساس تشکیلاتی حزب ما را ویران و آب به آسیاب دشمنان طبقه کارگر می ریزد و عملاً همان کار اپورتونیسیم راست دولتی را انجام می دهد. فقط با این تفاوت، که اپورتونیسیم راست متکی به دولت موجود کنونی است، که طبقه کارگر را منفعل و اورا از اقدامات «توطئه گرانه» قاطع بر حذر می دارد. اپورتونیسیم چپ تحت لوای دمکراتیسم در حرف، در عمل مانع پیدایش تشکیلات پیشاهنگ یکپارچه از نوع حزب لنینی می گردد و همچنین مانع تشکل طبقه کارگر و شرکت او در نبرد طبقاتی می شود. بدین ترتیب، عملاً به دشمنان طبقه کارگر، یعنی بورژوازی تمامی کشورها کمک می کند.

به همین دلیل تمام رفقای که بدون پیش داوریهایی منفی، به انحرافات چپ با راست گرایش می یابند، باید در قضاوتهای خود تجدید نظر کنند و به شکل انتقادی نه تنها به کلاسیکهای مارکسیسم (مارکس، انگلس، لنین، استالین) که در زمان حاضر هر که از جا بلند می شود می خواهد «اضافه کند»، «اصلاح کند»، «تنظیم کند» (...)

بلکه با دیدگاههای شخصی خود بر خورد کنند. تمامی کمونیستهای واقعی معاصر باید در راه پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم ارتدوکس، همچون آموزش مارکس، انگلس، لنین و استالین در تمامی ابعاد، از اقتصادسیاسی گرفته تا ساختار حزب که هدف مقاله حاضر را تشکیل می دهد، مبارزه کنند. در این صورت ضرورت رشد خلاقانه این

آموزش و مبارزه با انحرافات تحت لوای «رشد خلاقانه» و رویونیسم، جامعه عمل خواهد پوشید.

وجه ممیزه و ویژگی، و.ا.لنین در این است، که او تئوری خود را عملی ساخت. ویژگی تئوری او زنده بودن آن، دیالکتیک آن، انسجام و انقلابی بودن آن است. انتقاد از لنینیسم با استناد به اینکه گویا زندگی تحت لنینیسم کشور را به فروپاشی کشاند، اشتباه و غیر علمی است. اینگونه منتقدان درک نمی کنند، که لنینیسم با مرگ استالین که تئوری مارکسیسم - لنینیسم را خلاقانه رشد داد، پایان یافت. پس از مرگ استالین، لنینیسم بخشاً قانون گردید و از رشد باز ایستاد، و بخشاً دچار رویونیسم و اپورتونیسیم راست گردید. در صورتی که تمامی نیروی لنینیسم در دیالکتیک و انقلابیت آن است. خود لنین می گفت، که مارکسیسم دگم نیست، بلکه راهنمای عمل است. بدین ترتیب، با از دست دادن دیالکتیک و انقلابیت - وجه تمایز اساسی لنینیسم، دولت شوروی در سالهای 80-70 کشور را به بحرانی کشاند، که یکی از دلایل فروپاشی دولت شوراها گردید. هر گونه نظام اجتماعی - سیاسی احتیاج به نوسازی مداوم دارد، اگر این نوسازی صورت نگیرد، حتی بهترین سیستم ها نیز فرو می پاشند. زندگی به جلو گام بر می دارد و بهمین دلیل، زمانی که برخی از «لنینیستها» پیشنهاد می کنند، که تا حد صد در صد بر گردیم به سیستمی که در اتحاد شوروی بود، - آنها نمی فهمند که دقیقاً با همین گفته در تقابل با لنین قرار می گیرند. لنین همچون بنیانگذاران مارکسیسم، همیشه شرایط مشخص تاریخی را در نظر داشت و از تئوری قابل اجرا در پراتیک استفاده می کرد، که همین تئوری را هر چه بیشتر مکمل می ساخت. چونکه تئوری در پیوند نا گسستگی با پراتیک رشد می کند. و بر عکس، زمانی که برخی «مارکسیست - دیالکتیکسینها» به بنیانهای لنینیسم سو قصد می کنند (در هم شکستن ماشین دولتی بورژوازی، تئوری انقلاب سوسیالیستی، لغو مالکیت خصوصی، برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و ...)، تحت لوای «رشد خلاقانه»، رویونیسم را پیش می برند، فوراً باید ضربه عقیدتی - سیاسی متقابل را وارد کرد. وظیفه تمامی کمونیست های امروز، رشد خلاقانه آموزش مارکسیسم - لنینیسم و حفظ بنیانهای اساسی آن است. و فقط آنوقت ما در نهایت می توانیم دوباره وسیعترین توده های مردم را بدنبال خود بکشانیم و در نبرد با سرمایه به پیروزی دست یابیم.

در آذربایجان چه می گذرد؟

عاقبت دریاچه ارومیه چه خواهد شد؟

نمی‌کنند و کشاورز کار خود را انجام می‌دهد و تنها حاشیه‌نشین‌های دریاچه آنهم اخیراً بحران خشکسالی را احساس کرده‌اند. وی با تاکید بر اینکه باید از بروکرسی برای حل معضلات دریاچه ارومیه پرهیز کرد و به ایسنا گفت: انتقال آب و بارورسازی ابرها کارهای اورژانسی است که می‌توان برای نجات دریاچه ارومیه انجام داد.

کارشناس مسوول تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست ارتفاع کنونی آب دریاچه ارومیه را 1271/45 متر از سطح دریاهای آزاد عنوان کرد و گفت: این رقم از متوسط سطح تراز آب دریاچه 3/5 متر پایین تر است و باید گفت: 130 هزار هکتار از دریاچه ارومیه به طور کامل شوره زار شده و با شرایط فعلی دیگر قابل بازگشت نیست. وی با اشاره به اینکه مهم ترین مشکل امسال در دریاچه ارومیه افزایش تبخیر به دلیل افزایش دما نسبت به سالهای گذشته است گفت: خیلی از اقدامات را می‌توان بدون هزینه انجام داد اما نجات دریاچه ارومیه نیازمند صرف زمان و اراده قطعی مسوولان است. مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب‌های ایران: سالانه 3/1 میلیارد متر مکعب آب وارد دریاچه ارومیه خواهد شد ورود آب در نیمه اول امسال به دریاچه ارومیه صورت نخواهد گرفت سقف استفاده استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و کردستان از منابع آبی و حق‌آبه دریاچه ارومیه برای هر استان تعیین شد جلسه دوم ستاد اجرایی دریاچه ارومیه تا دو هفته دیگر تشکیل می‌شود

سطح آب دریاچه ارومیه 2/5 متر کمتر از سطح تراز اکتولوژیکی آن است

سازمان محیط زیست ایستگاه‌های نظارتی بر روان‌آب‌های ورودی به دریاچه ارومیه ایجاد می‌کند دکتر نظری دوست، مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب‌های ایران نیز با اشاره به اینکه بر اساس مصوبه کمیته تخصصی باید سالانه 3/1 میلیارد متر مکعب آب وارد دریاچه ارومیه شود به ایسنا گفت: تنها در این صورت و طی یک دوره پنج ساله تنها می‌توانیم به سطح تراز اکتولوژیکی این دریاچه برسیم.

وی با اشاره به اینکه برنامه مدیریت دریاچه ارومیه طرح مشترکی بین 3 استان آذربایجان شرقی، غربی و کردستان بود که با کمک مشاوران داخلی و بین‌المللی و بر اساس بند الف ماده 67 قانون برنامه چهارم تهیه شد گفت: این برنامه مدیریتی در مهرماه سال 87 به امضای وزرای نیرو و جهاد کشاورزی، رییس سازمان محیط زیست و استانداران سه استان آذربایجان شرقی، غربی و کردستان رسید و در فروردین ماه سال جاری در هیات دولت به تصویب رسید. مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب‌های ایران افزود: برای اجرای این برنامه یک ساختار فرابخشی دیده شده که ستاد اجرایی مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه با ریاست معاون اول رییس جمهوری و دبیری رییس سازمان حفاظت محیط زیست و حضور معاون نظارت راهبردی رییس جمهور و وزرای نیرو، جهاد کشاورزی، مسکن، کشور و استانداران سه استان آذربایجان شرقی، غربی و کردستان تشکیل می‌شود.

وی گفت: اولین جلسه این ستاد ملی اردیبهشت ماه سال جاری برگزار و پس از بررسی وضعیت دریاچه ارومیه مقرر شد کمیته تخصصی تشکیل شده و راهکارهای مدیریت دریاچه ارومیه را ارائه کند.

مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب‌های ایران با اشاره به اینکه تصمیمات ستاد اجرایی مدیریت حوضه آبخیز دریاچه ارومیه در حکم مصوبات هیات دولت خواهد بود به ایسنا گفت: اولین جلسه کمیته تخصصی دریاچه ارومیه خردادماه سال جاری برگزار شد و از آن زمان تا کنون پنج جلسه در این کمیته تشکیل شده که بر اساس آن

در حالی که خبرهای نگران‌کننده‌ای از مرگ دریاچه ارومیه به گوش می‌رسد به شکلی که به گفته مدیر کل محیط زیست آذربایجان غربی ورودی آب به دریاچه ارومیه به صفر، شوری دریاچه به حد فوق‌العاده، جمعیت آرمیا ارومیه تقریباً به صفر، سطح آب دریاچه ارومیه هم‌اکنون از حداکثر سطح تراز آن 7 متر کاهش یافته است و به پیش‌بینی کارشناسان سطح آب دریاچه ارومیه تا 2 ماه آینده از حداقل تراز سال گذشته نیز کمتر می‌شود، کارشناس مسوول تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست با تاکید بر این که باید از بروکرسی برای حل معضلات دریاچه ارومیه پرهیز کرد گفت: 130 هزار هکتار از دریاچه ارومیه به طور کامل شوره‌زار شده و دیگر قابل بازگشت نیست! از سوی دیگر مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب‌های ایران نیز از تشکیل جلسه دوم ستاد اجرایی دریاچه ارومیه تا دو هفته با حضور معاون اول رییس‌جمهوری خبر داد.

به گزارش خبرنگار «محیط زیست» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دریاچه ارومیه به عنوان بیستمین دریاچه بزرگ جهان با مساحتی حدود 483 هزار هکتار یکی از مهمترین و با ارزش‌ترین اکوسیستم‌های آبی و بزرگترین دریاچه داخلی ایران به شمار می‌آید که به دلیل سه دهه توسعه ناپایدار و بی‌رویه در منطقه که بارگذاری‌های غیرقابل‌تحملی را برای این حوزه ایجاد کرده است هم‌اکنون با بحران زیست‌محیطی مواجه شده است. کارشناس مسوول تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست: 130 هزار هکتار از دریاچه ارومیه به طور کامل شوره‌زار شده و دیگر قابل بازگشت نیست بحران دریاچه ارومیه زخم کهنه‌ای است که هم‌اکنون سر باز کرده است

علی‌رغم خشکسالی‌ها، هر سال 5 درصد بر تولیدات محصولات کشاورزی در استان‌های حاشیه دریاچه ارومیه افزوده شد! نمی‌شود وزارت نیرو آب را رهاسازی کند اما آبی به دریاچه نرسد! باید از بروکرسی برای حل معضلات دریاچه ارومیه پرهیز کرد مهندس باقرزاده کریمی، کارشناس مسوول تالاب‌ها و مشاور معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به اینکه بحران دریاچه ارومیه زخم کهنه‌ای است که هم‌اکنون سر باز کرده است به ایسنا گفت: این امر نتیجه سه دهه توسعه ناپایدار و بی‌رویه در منطقه است که بارگذاری‌های غیرقابل‌تحملی را برای این حوزه ایجاد کرده است.

وی با اشاره به اینکه طی سالهای گذشته علی‌رغم خشکسالی هر سال 5 درصد بر تولیدات محصولات کشاورزی در استان‌های حاشیه دریاچه ارومیه افزوده شد گفت: این امر نشان دهنده آن است که فشار بر منابع آبی اعم از آبهای سطحی و زیرزمینی در این منطقه به شدت افزایش داشته است.

کارشناس مسوول تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست با

تاکید بر اینکه باید از میزان برداشت و توقعات از منابع آبی بکاهیم تصریح کرد: کل بحران دریاچه ارومیه قابل حل نیست ولی تا جایی که مربوط به مسائل انسانی است می‌توان این بحران را مدیریت کرد. وی گفت: نمی‌شود وزارت نیرو آب را رهاسازی کند اما آبی به دریاچه نرسد! این امر نشان دهنده برداشت‌های بی‌رویه و غیرمجاز است که در این خصوص باید نظارت‌های ویژه صورت گیرد. کارشناس مسوول تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست افزود: تا زمانی که برداشت از منابع آبی تنظیم نشود، به تعادل نمی‌رسیم گفت متأسفانه مردم منطقه خشکسالی را در زندگی روزمره خود حس

نجات دریاچه ارومیه در حد حرف ماده است

به گزارش مهر، حساسیت ها از زمانی آغاز شد که مدیرعامل آب منطقه ای آذربایجان شرقی با تاکید بر نقش بارورسازی ابرها در افزایش بارندگیهای اخیر منطقه، از افزایش نیم متری سطح آب دریاچه ارومیه خبر داد. این خبر گرچه با بازتاب گسترده ای همراه بوده و امیدها را برای نجات دریاچه ارومیه افزایش داد اما با اظهار نظر کارشناسان و ابراز تردید به اصل خبر و تاثیر بارورسازی ابرها، موضوع وارد مرحله جدیدی شد.

جالب اینکه ۱۵ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ماه هر سال اوج بارندگی های منطقه آذربایجان بوده و در فرهنگ عامه منطقه به ماه "نیسان" معروف است. در این ماه بر اساس روال عادی و طبیعی، بارش گسترده باران تمام منطقه را فرا می گیرد اما به نظر می رسد برخی قصد دارند برای "خبر درماتی" افکار عمومی، بارندگیهای اخیر را به نام خود ثبت و ضبط کنند! با وجود وضعیت رو به نابودی دریاچه ارومیه و با توجه به اظهارات مسوولان و کارشناسان استانی در باب شیوه های احیای دوباره آن، تا کنون اقدام عملیاتی قابل توجهی در راستای افزایش سطح دریاچه صورت نگرفته است.

به گفته کارشناسان زمانی وسعت آب دریاچه ارومیه شش هزار و ۱۰۰ کیلومتر مربع خوانده می شد که امروز این رقم به چهار هزار کیلومتر مربع تقلیل پیدا کرده است، یعنی چیزی معادل ۲۲ میلیارد متر مکعب. هم اکنون با توجه به افت شش و نیم متری آب دریاچه، برای رسیدن به تراز نرمال به ۲۲ میلیارد مترمکعب ورودی نیاز داریم.

احمد فاخری فرد، استاد دانشگاه در این باره می گوید: با توجه به این نیاز بارشی، پتانسیل منطقه ای پاسخگوی این مقدار نیست و حتی اگر بارشی داشته باشیم سالهای متمادی برای رسیدن به نقطه مطلوب باید انتظار کشید. به گفته مدیرعامل آب آذربایجان شرقی، افزایش دما و به تبع آن تبخیر، روند کاهش سطح دریاچه ارومیه را تشدید کرده و موجب پایین آمدن کیفیت آب، لب شور و غیرقابل برداشت شدن آن در چاه های حاشیه دریاچه شده است.

وی از افزایش نیم متری سطح آب دریاچه ارومیه طی بارش های اخیر خبر داده و می گوید: طی دهه اخیر سطح آب دریاچه ارومیه ۲۴۰ سانتی متر کاهش یافته و حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب از حجم آن کاسته شده است که با توجه به بارش های فراوان اخیر این مقدار پنجاه سانتی متر افزایش یافته است.

این در حالی است که فاخری فرد، استاد دانشگاه تبریز افزایش نیم متری سطح آب را فرضیه ای دور از تصور خوانده و اشاره می کند: طی محاسبه ای ساده در می یابیم که باید طی روزهای اخیر چیزی حدود ۶۰ سانتی متر بارندگی در منطقه اتفاق می افتاد تا این افزایش نیم متری بوجود آید.

این در حالی است که علی اکبر رسولی، کارشناس آب دانشگاه تبریز، روش بارورسازی را دور از توانمندی های منطقه ای خوانده و معتقد است: این روش بسیار پیچیده است و افراد متولی احیای این روش از دانش کافی در این حوزه برخوردار نیستند و در نهایت با تکنولوژی های در دسترس ما این روش قابل عملیاتی شدن نیست.

باتوجه به هشدارهای کارشناسان از عواقب پس از خشکسالی دریاچه و بروز عواملی چون پادهای منطقه ای که با انتشار نمک اراضی حاشیه دریاچه سبب بروز مشکلاتی عیدیه در منطقه خواهند شد ولی همچنان عده ای از مسوولان استانی به دلیل برخی مشکلات اقتصادی، احیا دوباره دریاچه را کم اهمیت می خوانند.

مقرر شد سالانه ۳/۱ میلیارد متر مکعب آب وارد دریاچه ارومیه شده و سهم آب هر استان و میزان بهره برداری و ارسال آن برای دریاچه ارومیه تعیین شده است. همچنین ۲۷ طرح اجرایی نیز در این کمیته تخصصی برای تطبیق استان های حاشیه دریاچه ارومیه با کمبود آب مصوب شده که از جمله آنها می توان به آبیاری تحت فشار، استفاده مجدد از آبهای رها شده، تعیین حریم، نظارت و ... اشاره کرد. وی گفت: تمامی این طرح ها قرار است در جلسه دوم ستاد اجرایی که ظرف دو هفته آینده برگزار می شود مطرح و با فوریت به تصویب برسد.

مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب های ایران گفت: با تشکیل این جلسه سهم آب هر استان مشخص شده و سازمان حفاظت محیط زیست بر ورود حق آب هر استان به دریاچه ارومیه نظارت خواهد کرد. از سوی دیگر طرح های اجرایی اضطراری نیز از محل تبصره ۱۰ ستاد بودجه سال ۸۹ اعتبار دریافت کرده و در سالهای آینده وارد ردیف های بودجه ای سازمان ها و وزارتخانه های ذیربط خواهد شد. وی با اشاره به اینکه نظارت و ایجاد ایستگاه های نظارتی بر روان آب های ورودی به دریاچه ارومیه بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست خواهد بود، گفت: در عین حال برخورد با چاه های غیرمجاز بر عهده وزارت نیرو است و به هر استان اعلام می شود که میزان بهره برداری از آب در حوضه آن استان به چه میزان خواهد بود که بر اساس آن استان مربوطه نسبت به برنامه ریزی در این خصوص اقدام خواهد کرد.

مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب های ایران با تاکید بر اینکه قطعا در شش ماهه اول امسال ورودی آبی به دریاچه نخواهیم داشت گفت: در تلاشیم تا در نیمه دوم سال نسبت به اجرایی کردن مصوبات ستاد اجرایی دریاچه ارومیه اقدام کنیم. وی با اشاره به اینکه تراز اکولوژیک دریاچه ارومیه ۱۲۷۴/۱ متر از سطح دریاهای آزاد است افزود: هم اکنون سطح آب دریاچه ارومیه ۵/۲ متر کمتر از سطح تراز اکولوژیک دریاچه است که بر این اساس بین ۱۰ تا ۱۲ میلیارد متر مکعب کمبود آب داریم که با احتساب ورود سالانه ۳/۱ میلیارد متر مکعب آب به دریاچه با وضعیت تبخیر کنونی می توانیم طی یک دوره ۵ ساله به سطح تراز اکولوژیک دریاچه برسیم.

مدیر طرح ملی حفاظت از تالاب های ایران در پایان اظهار امیدواری کرد که با همکاری و مشارکت تمامی دستگاه های ذیربط دریاچه ارومیه از مرگی که هم اکنون دچار آن شده نجات یابد. گفتنی است دریاچه ارومیه و جزایر متعدد آن به لحاظ ویژگی های منحصر به فرد اکولوژیک از سال ۱۳۴۶ به عنوان منطقه حفاظت شده و از سال ۱۳۴۹ به عنوان پارک ملی مورد حفاظت قرار گرفته است.

این دریاچه از سال ۱۳۵۴ به عنوان ذخیره گاه بیوسفر در برنامه انسان و کره مسکون سازمان یونسکو معرفی و در آن ثبت شده است. در سال ۱۳۵۴ دریاچه ارومیه و تعدادی از دریاچه های آب شیرین جنوبی آن به علت دارا بودن معیارهای جهانی کنوانسیون حفاظت از تالابها (رامسر ۱۹۷۱) در لیست تالاب های کنوانسیون قرار گرفته است و هم اکنون به دلیل مشکلات زیست محیطی در لیست تالاب های در معرض تغییرات شدید اکولوژیک قرار دارد. آرتیمیا مهمترین موجود این دریاچه است و از گونه های تهدید شده جهانی پرندگان که در این منطقه ثبت شده اند می توان به پلیکان پاخالکستریف باکلان کوچک، غاز پيشناني سفید کوچک، عروس غاز، اردک مرمری، اردک سرسفید، اردک بلوطی، خروس کولی دشتی، میش مرغ، دلچیه کوچک اشاره کرد. همچنین در حدود ۱۵۰۰ گونه گیاه آوندی در حوزه ارومیه به ثبت رسیده است که متعلق به ۸۵ خانواده می باشند. از این ۱۵۰۰ گونه ۳۵۳ گونه ارزش اقتصادی و ۲۹۰ گونه اهمیت اکولوژیک دارند.

تعطیلی دومین کارخانه استحصال طلا و بیکاری ۲۰۰ کارگر

درصد کارکنان فعلی کارخانه را شامل می‌شود البته، مسنولان کارخانه از بیکاری ۳۰ درصدی کارگران خبر داده‌اند.

«عباس احمدی نیری»، مدیرعامل کارخانه فرآوری و استحصال طلای آق‌دره تکاب نیز، از وجود برخی موانع برای خرید یکی از قطعات اصلی دستگاه فعال در کارخانه طلا خبر می‌دهد و می‌گوید:

چرخ‌دنده آسیاب بزرگ که به‌عنوان قلب دستگاه کارخانه عمل می‌کند، دچار نقص فنی شده است و به‌علت وجود برخی مشکلات، خرید آن از کشورهای خارجی مشکل و زمان‌بر خواهد بود.

وی افزود: تا پیش از خرید این قطعه اصلی، بخش‌های آسیب‌دیده دستگاه کارخانه طلای آق‌دره به‌طور موقت تعمیر خواهد شد و کارخانه بازگشایی می‌شود.

فرماندار شهرستان تکاب نیز، از تعیین ضرب‌الاجل و مهلت ویژه ۲ ماهه به مسنولان کارخانه برای تعمیر و تجهیز کارخانه طلای آق‌دره خبر داد.

«محمدعلی داعی»، افزود: طی تماسها و دیدارهایی که با مسنولان کارخانه استحصال طلا انجام شده و بر اساس مصوبات کمیسیون کارگری، باید عملیات تعمیر و تجهیز قطعات آسیب‌دیده کارخانه، تا مدت دو ماه آینده صورت گیرد.

وی با تاکید بر اینکه مسنولان کارخانه طلای آق‌دره تکاب موظفند در پایان این مدت ۲ ماهه، حتماً فعالیت استحصال و فرآوری طلا را از سر بگیرند، افزود: با بازگشایی مجدد کارخانه طلای آق‌دره تکاب، کلیه کارگران و کارکنان بیکار شده این کارخانه، سر کار خود باز خواهند گشت.

وی از مسنولان کارخانه طلای آق‌دره تکاب خواست، نسبت به تعمیر، تجهیز و راه‌اندازی مجدد فعالیت کارخانه طلای آق‌دره تکاب، سرعت عمل و جدیت به خرج دهند.

داعی گفت: دستگاه‌های اجرایی تکاب به‌طور مستمر مسایل مربوط به کارگران کارخانه طلای آق‌دره و تحقق مطالبات آنان و ضرورت بازگشت به کار کلیه کارگران را، پیگیری می‌کنند.

فرماندار تکاب همچنین برخی شایعات پیرامون توقف دائم فعالیت کارخانه طلای آق‌دره را رد کرد و خبر تعطیلی قطعی این کارخانه را تکذیب کرد.

وی یادآور شد: کلیه شایعات مربوط به تعطیلی دائمی این کارخانه صحت نداشته و این تعطیلی موقتی بوده و با انجام تعمیرات اساسی، فعالیت آن از سر گرفته خواهد شد.

کارخانه فرآوری و استحصال طلای آق‌دره، از سال ۱۳۸۳ در ۳۰ کیلومتری شهر تکاب در جنوب استان آذربایجان غربی، با ظرفیت تولید سالانه ۲۰۲ تن طلای ۲۴ عیار فعالیت می‌کند که بعد از معدن «موت» اصفهان، به‌عنوان دومین معدن طلای کشور و یکی از معادن بزرگ طلای خاورمیانه محسوب می‌شود.

فعالیت معدن طلای آق‌دره در حالی متوقف شده که پروانه بهره‌برداری از این معدن در سال ۱۳۷۸ به مدت ۱۵ سال صادر شده است و اجازه بهره‌برداری و استخراج از این معدن طلا، تا سه سال دیگر یعنی تا سال ۱۳۹۳ وجود دارد.

با تعطیلی دومین کارخانه استحصال و فرآوری «طلا» کشور در «آق‌دره» شهرستان تکاب در جنوب استان آذربایجان غربی، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران آن، در حال حاضر شغل خود را از دست داده‌اند و کارگران این کارخانه برای انعکاس مشکلات خود به گوش مسنولان مربوطه و رفع آنها، اقداماتی از قبیل دیدار و گفت‌وگو با مسنولان سازمان صنایع و معادن آذربایجان غربی، ادارات کل کار و امور اجتماعی و تامین اجتماعی استان، رایزنی با مسنولان کارخانه «پویا زرکان» آق‌دره و فرماندار تکاب، نامه‌نگاریهای متعدد و حتی دادخواهی از مسنولان رده‌بالای نظام را تاکنون انجام داده‌اند.

به گزارش ایسنا، مسنولان کارخانه طلای آق‌دره، شکستگی یکی از قطعات اصلی دستگاه فعال در کارخانه را، علت تعطیلی این مشکل عنوان و اعلام کرده‌اند که این قطعه تا چهار ماه آینده تعمیر و مشکلات شغلی کارگران رفع خواهد شد.

اما برخی از کارگران و کارکنان کارخانه طلای آق‌دره تکاب، طی چند روز گذشته از انتشار شایعاتی مبنی بر تعطیلی دائمی این کارخانه یا تعدیل نیروی کار و حتی از سرگیری فعالیت کارخانه با حداقل نیروی کار خبر داده‌اند.

«علی سروی»، یکی از کارگران این کارخانه، گفت: از وقتی که خبر تعطیلی کارخانه به گوش کارگران رسید تا زمان رسمی تعطیلی، همه کارگران در تکاپوی به دست آوردن دوباره شغل خود بوده و نگران چگونگی تامین معاش خانواده‌شان هستند.

وی افزود: ما از تمام مسنولان استانی و کشوری می‌خواهیم که اگر به فکر قشر کارگر هستند، نسبت به این قشر بی‌تفاوت نباشند و به وعده‌های خود در خصوص ایجاد اشتغال عمل کنند و مانع افزایش بیکاری کارگران شوند.

«حسن قربانی»، نماینده کارگران کارخانه طلای آق‌دره تکاب نیز، در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار داشت: مسنولان کارخانه طلا هنگام تعطیلی آن، مدت بیکاری کارگران را، موقتی و چهار ماهه اعلام کرده‌اند و در زمان تعطیلی فعالیت آنان نیز، به تمامی کارگران تعهدنامه بازگشت به کار، پس از تعمیر قطعه اصلی دستگاه فعال در کارخانه را داده‌اند.

وی یادآور شد: البته بر اساس این تعهدنامه، کلیه کارگران کارخانه طلا پس از تعمیر و راه‌اندازی دستگاه آن، بر سر کار خود حاضر خواهند شد، اما شایعاتی که در بین کلیه کارگران مبنی بر تعدیل نیروی کار بعد از به راه افتادن دوباره کارخانه وجود دارد، تمام کارگران را ناامید و ناراحت کرده است.

قربانی خاطر نشان کرد: طی این مدت کارگران بیکار شده، می‌توانند طبق ضوابط از مزایای بیمه بیکاری بهره‌مند شوند.

بر اساس این گزارش، با توقف فعالیت کارخانه استحصال و فرآوری طلای «پویا زرکان» «آق‌دره» تکاب، فعلاً بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران و کارکنان آن، شغل خود را از دست داده‌اند و این میزان ۹۵

نظری بر بحران طبیعت در جهان و راهکارهای رهائی از آن (۲)

/ طبیعت دیروز، امروز، فردا/

حافظ محیطزیست جهانی معین نموده اند که سالانه به مخازن آبی جهان ملیونها تن نفت و فر آورده های نفتی ریخته می شود. همچنین معین گردیده که ۳۰۰ میلیون اتومبیل موجود (ارقام مربوط به سال ۱۹۹۶ می باشد) در جهان سالانه ۱/۲ میلیون تن اکسیژن مصرف نموده و در عوض ۹۵۰ میلیون تن گاز کربونیک وارد جو می کند. همچنین سالانه در حدود ۲۵۰ میلیون تن گازهای مصرف شده و ۷۰ میلیون تن گازهای سمی کوبویدرات را به فضا ریخته می شود که نشانگر حجم آلودگی فضا می باشد. بدین ترتیب پارک جهانی اتومبیل ها سالانه تمام اکسیژن موجود در ۸-۹ متری بیوسفر مصرف نموده و در همین قشر گازهای آلوده و سمی از جمله مونواکسید کربن را جایگزین می نماید. خوشبختانه اکسیژن به مقدار کافی در فر آیند فتوسنتز گیاهان تولید گردیده و فضا را پر می نماید. بر طبق آمار سازمان بهداشت جهانی بر اثر آلودگی هوا در کوه های ایتالیا سالانه در حدود ۷۰ هزار نفر جان خود را از دست می دهند. بر طبق همین آمار در سال ۱۹۷۲ بیش از ۶۵۰ هزار نفر مبتلا به امراض ارگانه های تنفسی، چشم، قلب دچار گردیده اند. در ۲۰ سال گذشته تولید محصولات صنعتی دو برابر شده. در کشاورزی هم در این سالها تغییرات بزرگی رویداده است. کشاورزی میکانیزه شده در بعضی کشورها استفاده از انرژی الکتریکی (الکتریفیکاسیون) هم در تولید محصولات استفاده می گردد. شیمیزاسیون کشاورزی به بالاترین حد خود رسیده است. انقلاب علمی تکنیکی بنویه خود در عمیق شدن بحران اکولوژیکی سهم بزرگی دارد. یکعده از دانشمندان جهان معتقدند که انقلاب علمی تکنیکی، ازدیاد بی رویه اهالی، بالاخره فاجعه اکولوژیکی ایجاد خواهد کرد که نتیجه «نهائی» آن نابودی جمعیت بشری خواهد بود. مسئله بجایی رسیده که جلوگیری از ازدیاد بی رویه و فزاینده اهالی و پیشرفت سریع تکنیک را الزامی می دانند و باید اظهار نمود که در پیدایش بحرانهای اکولوژیکی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها هم نقش بزرگی را بازی می کنند. اکولوژیست های شهیر اروپا معتقدند که بحران موجود بین اجتماع و طبیعت زائیده مناسبات موجود بین ساختار اجتماعی و سیستم اقتصادی آن می باشد. تحلیل تاریخ تمدن بشری نشانگر آن است که جوامع بشری در دورانهای مختلف زندگی خود روابط خصمانه با طبیعت برپا نموده و به استثمار بی رحمانه منابع آن پرداخته اند و در نتیجه بحرانهای اکولوژیکی را بوجود آورده اند. امروز سازماندهی عاقلانه تولید اجتماعی، و برنامه ریزی علمی تولید و توزیع مواد غذایی و زندگی در طبیعت و ایجاد روابط حسنه با آن قادر است از بحران اکولوژیکی جلوگیری نماید. جوامع بشری باید در حل تضادهای موجود بین طبیعت و انسان قدمهای اساسی بردارند. سازمانهای بین المللی باید با درک مسئولیتهای تاریخی خود در حل اساسی بحرانهای اکولوژیکی بکوشند. سازمانهای بین المللی، منطقه ای و کشوری باید با تنظیم طرح های اکولوژیکی در بهبودی وضع اکولوژیکی و بحرانهای موجود بکوشند. طرح های حفاظت از جنگلها، برپائی جنگلهای مخروطیه، مراتع و چمن زارها منابع آبی باید در صدر برنامه های ملی قرار داده شود. تأسیس پارکهای ملی، قوروقها، زمینهای محافظه شونده و غیره باید اساس تحقیقات علمی انجام پذیرد. برپائی جنس های مختلف حیوانات و حتی، ازدیاد نوع های ماهی های با ارزش، گیاهان طبیعی، دارویی و غیره باید با بر رسی تمام جوانب پروبلم اکولوژیکی انجام پذیرد.

پروفسور دکتر بهروز شکوری

لامتری بر اساس تحقیقات خود و دیگر دانشمندان فیزیکدان، شیمیدان، گیاه شناس و حیوان شناس نظریه وحدت موجودات زنده را مطرح کردند. آنها معتقد بودند که بین انسان، حیوان و گیاه مرز غیر قابل عبوری موجود نیست و همه ی اینها ترکیب یک هستی واحد می باشند در عین اینکه دگرگونی اشکال آنها موجود است. پیشرفت نیروهای مولده، آلات و ابزار تولید، توسعه علم و صنعت شرایط گذار از فنودالیزم قرون وسطی به سرمایه داری را فراهم نمود. پیشرفت تولیدات صنعتی بخصوص در اوایل قرن هیجدهم احتیاج به مواد اولیه را بسرعت افزایش داد. راه سازی، ساختمان سازی، شهرسازی، صنایع متالورژی و غیره استفاده زیاده از حد و بی رویه منابع طبیعی را موجب شد. در این مقطع تاریخی انسان به استثمار منابع روی زمین کفایت نکرده منابع زیر زمینی را نیز بکار گرفت و بدین ترتیب هدف اساسی علم و صنعت در دوره سرمایه داری، استثمار بی رویه و بی رحمانه منابع طبیعی و در واقع تابع نمودن منابع طبیعی و بطور کلی طبیعت به منافع سرمایه داری بوده است. بدین ترتیب طبیعت استقلال خود را در تمام شئون هستی خود از دست داد و مجبور به خدمت به خواسته های فزاینده انسانها گردید و انسان در عوض آنچه از طبیعت می گرفت چیزی باز پس نمی داد و به استثمار بی رحمانه و وحشیانه طبیعت ادامه می دهد. برای اینکه نقش مخرب انسان را در طبیعت بهتر درک کنیم کافی است به تاریخ استثمار منابع طبیعی آمریکا پس از کشف آن نظر افکنیم. در این دوره ی تراژیک از تاریخ سفید پوستانی که به این قاره سفر کردند. کشتار جمعی حیوانات را در برنامه ی خود قرار دادند. این عمل ننگین اشغالگران یک اقدام اقتصادی علیه سرخ پوستان، جمعیت اصلی این قاره به حساب می آمد. آنها معتقد بودند که کشتار دسته جمعی حیوانات بخصوص نسل کشی آنها ساکنین اصلی را مجبور به کوچ خواهند نمود و خود صاحب زمینهای بارآور و مناطق جنگلی خواهند گردید. صاحبان راه آهن، مسافران را تشویق می کردند که از پنجره های قطار حیوانات وحشی را بکشند. ژان دورست اکولوژیست مشهور ارقام تکان دهنده ای می آورد. او می نویسد که در عرض ۵ سال یعنی از سال ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۵ سالانه در حدود ۲/۵ میلیون بیزون کشته می شد. این ارقام نشانگر عمق تراژدی می باشد که برای بشریت ننگ آور است. در اوایل قرن نوزدهم در آمریکای شمالی کبوتران «گردشگر» بیش از حد وجود داشتند. بطوریکه در سال ۱۸۱۰ فقط در یک اجتماع کبوتران گردشگر ۲/۲ میلیون کبوتر موجود بود. با گذشت صد سال، از آنها اثری هم نماند. جالب است در سال ۱۹۰۹ برای کسانیکه یک لانه کبوتر یا کبوتران را نشان دهد ۱۵۰۰ دلار جایزه معین شده بود که هیچکس برنده نشد و این در واقع یک نسل کشی بود که شایسته مجازات سنگین می باشد. امروز نیز جمعیت بشری با مقیاس تاثیر خود در طبیعت و منابع آن با نیرومند ترین جریانهای طبیعی همگام می باشد مقیاس اعمال آنتروپوژن انسانها بدی رسیده که بیو سفر (زیستکره) بسختی قادر است جلوی این اعمال ناشایست آنها را بگیرد و قدرت مقاومت در مقابل این بحران واقعی را ندارد. امروز سازمانهای بهداشتی و

بیر ژورنالیست آناسیلا صحبتی

دیبرسن بیر گون سنی نولدورجک لر اوغول!
 دوشمن لری اوستونه گولدورجک لر اوغول!
 بدنه یازیلاردی سن گجه – گوندوز یازیرسان؟
 نوزون نوز اللرینله نوزونه گور قازیرسان.
 منیم مهربان آنام،
 منیم مهربان آنام.
 سن گره ک نوبونه سن منیم جسارتیمله،
 بو وطنه، بو آنله اولان محبتیمله.
 باشینی او جا ایشین گره ک فداکار بیغیم.
 آزادلیغا باغلی دیر منیم بوتون وارلیغیم.
 سن گره ک نوبونه سن منیم دونمز لیگیمله،
 یانار بیر اوجاق کیمی دائم سونمز لیگیمله.
 بو یولدا نولسم اگر، آغلامازسان منیم چون،
 او دردلی اوره بینی داغلامازسان منیم چون.
 منیم قلبیم آزادلیق نغمه سیله دولودور،
 منیم آرزوم، ایسته بیم داغلار قدر اولودور.
 من گره ک سوز پایلام یوردوما قوجاق – قوجاق،
 نه قدر کی نولکده آزادلیق اولوب یاساق.
 قورخما آی عزیز آنام،
 اوره بی تمیز آنام.
 گورورسن خلقی میزین باشینا کلیر نه لر،
 آتالار یاخشی دیبب «قورخان گوزه چوپ دوشر.»
 آل منی اوشاق کیمی دائیم اوخشیان آنام،
 مندن نیگران آنام،
 مندن نیگران آنام.

عارف صفا

نییم وار؟

بو دنیادا منیم گورن نییم وار؟
 بیر بینیم، بیر دیلیم، بیر اوره بیم وار.
 نوزومو آنالییب باشا دوشندن
 آله دان آزادلیق ایسته میشم من.
 منیم نه توپوم وار نه ده فیشنگیم،
 نه بیر آفتاماتیم نه بیر توفنگیم.
 منیم نه اوردوم وار نه ده پولیسیم،
 یوخدور بیر کومیم، یوخدور بیر کسیم.
 فقط ملتیم وار قلبی کدرلی،
 عمر و باشدان-باشا آجی زهرلی.
 اودور بو دنیادا گوجوم، قدر تیم،
 ایستیم، ثروتیم، واریم دولتیم.
 اونا آرخالانیر منیم اوره بیم،
 بوتون ایسته کلریم، آرزوم دیله بیم.
 او منیم چاغلایان بیر دنیز یملریم،
 او منیم هم باکیم، هم تبریزیم دیر.
 اوندان باشقا منیم بیر حایانیم یوخ،
 بیر اعتباریم یوخ، بیر گومانیم یوخ.

عارف صفا

محسون قارداش (خوشگونابی)**کندیمیزه خیالی سیاحت**

یامان یرده تکلہ دی تکلک منی،
گور نئیلہ دی سادہ اورہ ک لیک منی!
آتمیش ایلدی ترک اتمیشم ئولکە نی
نہ یاخشی دوشدو خوشگونابدان یولوم.
قارشیمایا چیخدی ئوز حبیب دای او غلوم.

خبر توتدوم کوچنلردن، قالاندان
چوخ دانیشدی آیریلیغی سالاندان،
نوتلردن، گلہ جکدن، فیلاندان...
دندیم دانیش، سوسما قوربانیم اولوم.
کورلیب آغلادی حبیب دای او غلوم.

کونلوم بیزی چکدی بولاق باشینا
سویو بنزر شاعرین گوز یاشینا
قوربان اولوم، توریاغینا، داشینا!
ایلہام وئردی بوردا منہ - ساغ - سولوم
جانلارا دیندی حبیب دای او غلوم.

من بو کندی آباد قویوب گتمیشم
باکیدا ئوز مورادیمایا یتمیشم
آنم دئییب بس ئولوب - ایتیمیشم
باغرینا قان دامیب، سینیب ال - قولو
(سهند) بویدا دردیمیز وار دای او غلوم

سیزدن ئوترو بیر تیکہ بدی اورہ گیم
یول باغلیدیر گلنمیردیم نئیلہ ایم؟
ان واجبی آزادلیقدیر گرہ بیم
پیشهوری سنجیب بو دوزگون یولو
میلیونلارین ایسته بیدیر دای او غلوم

ائل تایفامیز ترک ائلہ بیب یوردونو،
کیم دئیردی کوچریم من بونو؟
فلک منہ قارشی قوروب - قورغونو
قسمت اولوبدور منہ دردین بولو
چارہ ندیر دوزمه لییم دای او غلوم

آباد یوردوم ایندی ویرقین قالیدیر،
تهران بیزی گور نہ حالا سالییدیر!
ارتجاع بیزدن انتقام آلییدیر
فارسلاز اولوب ترکلره (قمبرقولو)
نجه دوزوم بو ایشلره دای او غلو؟

دندیم داها دوزلو چیخار سوزلریم،
کندی گورسه حصرت دولو گوزلریم،
بايقوش سیناغیدیر، دره لریم، دوزلریم
بو کند او کند دئیل رحمتلیک او غلو!
بلکہ یول آز میسام، حبیب دای او غلو!

پشمان اولدوم کندی بئلہ گورنده،
کاش گندیدیم تبریزه، یا مرندہ
هیچ بیلمیرم گناه سنده، یا منده؟
ایری گورور گوزلریمیز دوز یولو
بو، ملتین بلاسیدیر دای او غلو!

یازیق کندچی گندیب هاردا ایشله سین؟
آرودا - اوشاق یاغلی تیکہ دیشله سین
مجبور اولور ئوده تویوق کیشله سین
داشاندان چیخیر یوان چوره گین پولو
تائری ئوزو رحم ائلہ سین دای او غلو.

ایستیقلاالی اولمایاندا ملتین
دونور کوله سینہ یاد بیر دولتین
بختین یوخدور، قارداش، یوخسا قیرتین؟
هر حالدا باغلیدیر تبریزین یولو
آجمالیق بیز بو یولو دای او غلو